

# اسرائیل: سرزمین موعود برای یهودیان تا زمانی که آن‌ها سیاه نیستند (مروری تحلیلی بر پدیده نژادپرستی در اسرائیل)<sup>۱</sup>

نویسنده: حنان چه‌ها‌تا<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۹

ترجمه: مهدی رمضان زاده<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۱۴

۱۰۳

## چکیده

کنست اسرائیل در آگوست ۲۰۱۸، سرزمین‌های اشغالی را کشوری مختص اسرائیل دانست و زبان عبری را زبان رسمی اعلام کرد. در حالی که انقیاد و تجاوز به حقوق فلسطینیان ساکن در اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی فلسطین مستند شده‌اند، آنچه کمتر و به‌درستی به آن پرداخته شده است، چگونگی ریشه‌دوانیدن نژادپرستی در اسرائیل است. گستردگی نژادپرستی در اسرائیل تنها به مسلمانان و مسیحیان فلسطینی ختم نمی‌شود، بلکه یهودیان با پس‌زمینه‌های اقلیت قومی را هم در برمی‌گیرد. این مقاله در پی اثبات این است که چگونه و چرا «فالاشاها» - یهودیان اتیوپیایی که در چند عملیات انتقال دسته‌جمعی به اسرائیل آورده شده‌اند - خود را جزء طبقه‌ی فرودست جامعه اسرائیل تصور می‌کنند. آن‌ها نه تنها در مسکن، اشتغال، آموزش، ارتش و حتی در برگزاری رسوم مذهبی خود مورد تبعیض قرار گرفته‌اند، بلکه ناخواسته به‌عنوان پشتوانه و بهانه‌ای برای ساخت شهرک‌های غیرقانونی مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند.

**واژگان کلیدی:** بتای اسرائیل، یهودیان اتیوپیایی، فالاشاها، IDF، نژادپرستی اسرائیلی، عملیات جوشا، عملیات موسی، عملیات سلیمان، پتا تیکوا.

1. Source: Israel Current History / Ap. 2017.

۲. محقق تاریخ اسرائیل و نویسنده مجلات ادواری در مسایل راهبردی.

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی.

سال ۲۰۱۱ میلادی، بیستمین سالگرد بزرگترین انتقال دسته‌جمعی یهودیان اتیوپیایی از آفریقا به اسرائیل بود. طی یک‌سری عملیات مخفیانه در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ میلادی، هزاران یهودی اتیوپیایی - کسانی که با عنوان بتای اسرائیل (خانه اسرائیل) یا فالاشاها (مهاجر در زبان عبری) - مخفیانه از کشور جنگ‌زده و قحطی‌زده‌ی اتیوپی و همچنین از کشور همسایه آن - سودان - با هواپیما به «سرزمین مقدس» منتقل شدند. در آن زمان، این مأموریت‌های «نجات» به مناقشه کشیده شد. یکی دیگر از تمهیدات بدخواهانه حکومت اسرائیل برای ایجاد تغییر در جمعیت کشور فلسطین، فراخوان بازگشت دائمی به خانه به یهودیان آفریقایی تبار زادگاه - یهودیت - توسط برخی یهودیان بود. صرف‌نظر از این که مهاجران اهل کجا بودند، این اقدام تلاشی برای افزایش نسبت جمعیت مهاجران اسرائیلی به فلسطینیان بومی بود. از سوی دیگر، در حال حاضر، بیست سال بعد از این انتقال دسته‌جمعی، سوالاتی مطرح است. آیا یهودیان اتیوپیایی به میزان قابل قبولی در جامعه اسرائیل جذب شده‌اند؟ آیا سرگذشت عموم آنها یکی از ادغام‌های موفق و کامل بوده است؟ و یا آنها برای مقاصد خاصی همچون: تقویت بیشتر سیاست استعماری اسرائیل در قبال فلسطینیان، تامین گروه آماده‌ای از سربازان وظیفه برای وزارت دفاع اسرائیل (IDF)، تامین نیروی کار برای مشاغل یدی پست، مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند؟ و آیا با آنها به‌مانند خویشاوندانی مطرود در جامعه یهودیان عمدتاً سفیدپوست رفتار نشده است؟ به‌نظر می‌رسد به دلیل عدم تحقق وعده‌ی برادری و وحدت، رویکرد دوم پیامد غالب را داشته باشد.

هرچند و به‌احتمال زیاد، نمونه‌هایی از موفقیت‌ها و پیشرفت‌های فردی وجود دارد، اما تصویری بسیار تیره‌وتار برای بسیاری از فالاشاها در اسرائیل - اگر نگوییم اکثر آنها - مشاهده می‌شود. بنا بر گزارشی در نیوز ویک:

آمار فقر در میان اتیوپیایی‌های ساکن در اسرائیل نسبت به دیگر یهودیان اسرائیلی سه برابر است و آمار بیکاری نیز دو برابر می‌باشد. احتمال اینکه جوانان اتیوپیایی تحصیل در مدرسه را نیمه‌تمام رها کنند بسیار بیشتر است و جوانان اتیوپیایی به همین نسبت، حضور بسیار کمتری در دانشگاه‌ها دارند؛ و در مقابل به‌طور چشمگیری

در زندان حضور دارند؛ در مجموع، بزهکاری نوجوانان اتیوپیایی در جامعه چهار برابر بیشتر از دیگر همسالان یهودی خود است.

همچنین، بسیاری از جمعیت بیش از ۱۲۰۰۰۰ نفری یهودیان اتیوپیایی ساکن در اسرائیل امروزی - نیمی از آنها در آفریقا متولد شده‌اند و همه آنها کمتر از ۲ درصد جمعیت ۷,۷ میلیونی اسرائیل را تشکیل می‌دهند - برای زندگی به محله‌های فقیرنشین یهودی و یا به شهرک‌های غیرقانونی فرستاده شده‌اند. هر سال، شکایت‌های بسیاری از نژادپرستی توسط جامعه اتیوپیایی به موسسات خیریه و سازمان‌هایی از قبیل «تبکا» گزارش می‌شود. به‌گونه‌ای محسوس، یک نابرابری فزاینده‌ای در نحوه‌ی برخورد با یهودیان سیاه و غیرسیاه وجود دارد؛ و این در حالی است که صدها میلیون دلار کمک مالی برای «ادغام» فالاشاها در جامعه اسرائیل توسط اهداکنندگان آمریکایی و اسرائیلی پرداخته می‌شود؛ اما در نهایت یک طبقه فرودست سیاه از اتیوپیایی‌ها در اسرائیل به‌وجود آمده است که در آن طبقه‌ی فرودست، ۶۵ درصد کودکان زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

بنظر می‌رسد در کل جهان بزرگترین اجتماع مهاجران یهودی اتیوپیایی در اسرائیل هستند. لذا اگر نحوه‌ی برخورد با آنها مایه نگرانی شدید تمام اتیوپیایی‌ها باشد، نباید متعجب شد. همچنین بجاست که این موضوع مایه نگرانی و مورد توجه کسانی باشد که سعی در شناخت ماهیت واقعی جامعه اسرائیل را دارند. هرروزه مستندات غیرقابل انکاری از نژادپرستی در جامعه اسرائیل وجود دارد. درحالی‌که یهودیان اسرائیلی نسبت به دیگر یهودیان سیاه‌پوست، تنها به دلیل اینکه آنها سیاه هستند، با تبعیض برخورد می‌کنند، لذا نباید از نحوه‌ی برخورد آنان با فلسطینیان - مسیحی یا مسلمان - که بیشتر اوقات شدیدتر است تعجب کرد.

### یهودیان اتیوپیایی تازه‌وارد در اسرائیل

بسیاری از یهودیان اتیوپیایی خود را از نوادگان شاه سلیمان و ملکه سبا می‌دانند و به گمان خود می‌پندارند که کامل‌ترین صورت یهودیت را اجرا می‌کنند. یهودیان اتیوپیایی برای میلیون‌ها سال در آفریقا زندگی کرده‌اند و نسل‌ها یهودیت را در زبان و مطابق با

رسوم خود اجرا کرده بودند. با این وجود، زمانیکه اسرائیل در ۱۹۴۸ بنیاد نهاده شد، به دلیل اینکه آنها به عنوان یهودیانی اصیل از سوی مقامات خاخام اسرائیلی به رسمیت شناخته نشده بودند، مجاز نبودند که برای زندگی به اسرائیل بروند. این امر - عدم اجازه زندگی و رفتن به اسرائیل - در سال ۱۹۷۵، زمانیکه دولت اسرائیل در دوره نخست‌وزیری اسحاق رابین فالاشاها را به عنوان یهودیان اصیل به طور رسمی به رسمیت شناخت، تغییر یافت. این برای اجتماع یهودیان اتیوپیایی بسیار سرنوشت‌ساز و مهم بود که سرانجام به اعضای آن به همراه خانواده‌هایشان حق علیا (مهاجرت) به سرزمین مقدس بر اساس «قانون بازگشت» حکومت اسرائیل، داده شد.

این به رسمیت شناختن بحث‌برانگیز خاخام‌ها منجر به مهاجرت دسته‌جمعی یهودیان از اتیوپی به اسرائیل در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ شد. تعداد مهاجران از ۱۰۰ نفر در سال ۱۹۷۷ به بیش از ۱۲۰۰۰۰ نفر در سال‌های اخیر در اسرائیل افزایش یافت. با وجود آنکه برخی از افراد ادعا کردند که انگیزه‌ی اتیوپیایی‌ها برای این جابجایی تنها یک خواست مذهبی برای بازگشت به «سرزمین آبا و اجدادی» بود، در واقع دلایل فراوان دیگری وجود داشت؛ از جمله می‌توان به خشکسالی‌های شدید و قحطی‌های منجر به مرگ صدها هزار نفری در اتیوپی اشاره کرد. این دلایل غیرمذهبی می‌توانند دلایل فرار یهودیان اتیوپیایی را از فط استیصال به اسرائیل توجیه کنند.

دلیل دیگر، ناآرامی‌های شدید سیاسی در این بازه زمانی در اتیوپی بود. امپراتوری هیل سلاسی در ۱۹۷۴ سرنگون شد و سرهنگ منگیستو هیل ماریام به قدرت رسید که از جانب کوبا و اتحاد جماهیر شوروی حمایت می‌شد و کمونیسم به همراه احساسات ضدمذهبی و ضد یهودی بر اتیوپی مسلط شد. منگیستو با انتقال تعداد کمی از یهودیان به اسرائیل به عنوان بخشی از یک معامله تسلیحاتی موافقت کرد. بر این اساس اسرائیل برای وی تسلیحات تامین کرد؛ اما در بیشتر موارد یهودیان از رفتن به اسرائیل منع شدند؛ بنابراین، نباید تعجب کرد که به رسمیت شناختن غیرمنتظره فالاشاها به عنوان یهودیانی اصیل، برای بسیاری از اتیوپیایی‌ها همانند یک بلیط طلایی بود که آنها برای رساندن خود و خانواده‌هایشان به اسرائیل زندگیشان را به خطر انداختند. قطعا کوچ از کشور قحطی‌زده و جنگ‌زده‌ی اتیوپی با وعده خوشامدگویی گرم در سرزمین شیر و

عسل می‌بایست وسوسه‌انگیز بوده باشد.

### عملیات موسی (۱۹۸۴)، جاشوا (۱۹۸۵) و سلیمان (۱۹۹۱)

برای گریز از ناآرامی‌های سیاسی در اتیوپی در اوایل دهه ۸۰ میلادی، هزاران نفر با پای پیاده به اردوگاه‌های نسبتاً امن پناهندگان در سودان، فرار کردند. این سفری پرمخاطره و خطرناک بود که در آن حدود ۴۰۰۰ نفر در طول مسیر سفر جان خود را از دست دادند. عملیات موسی دقیقاً از همین زمان و مکان آغاز شد. در طی یک دوره شش هفته‌ای، ۸۰۰۰ نفر از یهودیان اتیوپیایی به‌عنوان بخشی از عملیات مخفیانه‌ی هماهنگ میان ارتش اسرائیل و CIA، از سودان به اسرائیل منتقل شدند. ولی زمانیکه اخبار ماموریت نجات علنی شد، انتقال هوایی از سودان متوقف شد. تعداد بسیاری از خانواده‌ها پس از توقف انتقال متلاشی شدند. برخی از اعضای خانواده‌ها به اسرائیل رسیدند، برخی در سودان سرگردان بودند و برخی دیگر هم در اتیوپی جا مانده بودند. در یک عملیات پیگیری در ۱۹۸۵، حدود ۸۰۰ یهودی به‌عنوان بخشی از ماموریت CIA (عملیات جوشا، به‌وسیله معاون جرج بوش رییس‌جمهور وقت آمریکا) از سودان به اسرائیل منتقل شدند. بزرگترین و آخرین ماموریت‌های انتقال، عملیات سلیمان بود. یک رشته پرواز بدون توقف که بیش از ۳۶ ساعت به طول می‌کشید، برای انتقال یهودیان اتیوپیایی صورت گرفت. این پروازها شامل ۳۴ هواپیمای غول‌پیکر مسافربری با تخمین انتقال ۱۴۳۲۴ نفر از یهودیان اتیوپیایی به اسرائیل انجام شدند.

### «بازگشت به خانه»ی تشویش‌برانگیز

کلیه‌ی جنبه‌های مختلف این «عملیات‌های نجات»، بسیار بحث‌برانگیز شدند. درباره انگیزه‌های اسرائیل سؤالاتی پرسیده شد؛ که آیا این ماموریت نجات به‌واسطه‌ی خواستی مذهبی به‌منظور آوردن پیروان یهودیت به «سرزمین موعود» انجام شد یا طرحی اهریمنی برای تغییر جمعیت مهاجران یهودی مقیم در اسرائیل و سرزمین‌های فلسطین اشغالی نسبت به فلسطینی‌ها بود؟ بعد از چالش‌های زیاد برای رسیدن به اسرائیل و صرف‌نظر از هر انگیزه اولیه-مذهبی، کاربردی و یا سیاسی- در خصوص

حضور اتیوپیایی‌ها در آنجا، مشخص بود که آنها مشکلات عظیمی برای ادغام در جامعه اسرائیل خواهند داشت.

به محض ورود آنها به اسرائیل، تمام اتیوپیایی‌ها به «مراکز جذب» فرستاده شدند. امکانات مسکن، آموزش و تحصیل که گفته شد بود - و هنوز هم گفته می‌شود - سرآغاز و وسیله پیشرفت ضروری در جامعه اسرائیل است. در این مراکز به مهاجران زبان عبری و راه و رسم زندگی اسرائیلی را آموزش می‌دادند. از نظر برخی چون بسیاری از اتیوپیایی‌ها در دهکده‌های قحطی‌زده که آب لوله‌کشی یا برق نداشتند، به دنیا آمده بودند، لازم بود که آنها را به تدریج با زندگی در اسرائیل آشنا کنند. با این حال، نگرانی‌هایی در خصوص شرایط زندگی در مراکز جذب وجود داشت و برخی از مردم مشاهده می‌کردند که آنها بیشتر شبیه زندانی در مراکز «خوشامدگویی» بودند. اعتراضات بسیاری توسط ساکنان اتیوپیایی در طول سالهای متمادی به دلیل نارضایتی از فقر اقتصادی و شرایط سخت زندگی در این مراکز، برپا شد.

با تمام این اوصاف، آنها در خانه‌هایی ساکن شدند که تصور می‌کردند خانه‌هایی موقتی است. بسیاری از مردم سالهایی از زندگی خود را در شرایط نامناسبی در آن خانه‌ها صرف کرده‌اند. شنیدن جملاتی از این دست امری عادی است: «زمانیکه من در اتیوپی بودم، تصور می‌کردم که در اسرائیل خوشحال خواهم بود... اما من در یک مرکز جذب به مدت شش سال است که گرفتار هستم. تقاضای یک خانه در تل‌آویو کرده‌ام، اما اقدامی صورت نگرفته است. من در اسرائیل خوشحال نیستم. تصور می‌کنم، در اتیوپی می‌توانستم یک کار آبرومند و مناسب پیدا کنم. تصمیم دارم که در آینده به کانادا یا اتیوپی بروم.»

خواندن گزارش‌هایی در مطبوعات با تیرتی مانند با شکست مواجه شدن ادغام یهودیان اتیوپیایی در زندگی اسرائیلی، امری عادی است و به نحو تاسف‌برانگیزی در طول سال‌ها، شرایط زندگی برای برخی بسیار سخت شده است. این شرایط سخت منجر به افسردگی و اقدام به خودکشی برخی از افراد شده است.

بنابراین منظور از چنین زندگی‌ای برای فالاشاها در اسرائیل چیست؟ در ابتدا باید گفت، استاندارد زندگی در اجتماع فالاشاها به استثنای اعراب یکی از پایین‌ترین

استانداردها را در اسرائیل دارد. با توجه به جدیدترین آمارهای وزارت رفاه و خدمات اجتماعی، دوسوم از مهاجران اتیوپیایی محتاج کمک برای گذران زندگی هستند و در بعضی از شهرهای کوچک، نزدیک به ۹۰ درصد نیاز به چنین مراقبت‌هایی دارند. همچنین تحقیقات نشان می‌دهند که نزدیک به ۷۵ درصد از خانواده‌های اتیوپیایی در زیر خط فقر زندگی می‌کنند و نرخ بیکاری در اجتماع یهودیان اتیوپیایی حدود ۷۰ درصد می‌باشد.

۱۰۹

با توجه به آمارهای ارائه شده توسط انجمن اسرائیل برای یهودیان اتیوپیایی؛ ۶۵ درصد از کودکان اسرائیلی اتیوپیایی تبار در فقر زندگی می‌کنند و یک‌سوم در معرض خطر هستند؛ تنها ۲۱ درصد از اسرائیلی‌های اتیوپیایی تبار دبیرستان را به اتمام می‌رسانند تا در امتحان ورودی دانشگاه ثبت‌نام کنند و نرخ بیکاری در میان اسرائیلی‌های اتیوپیایی تبار دو برابر میزان نرخ بیکاری کل جمعیت یهودیان است. الجزیره در گزارشی از یک فالاشاها، اتیوپیایی تبارها را به‌عنوان همسایگانی در اسرائیل که در محله‌های فقیرنشین یهودی زندگی می‌کنند، توصیف می‌کند.

### نژادپرستی آشکار

نژادپرستی نسبت به غیر سفیدپوست‌های یهودی در اسرائیل پنهان و نامحسوس نیست. نمونه‌های زیادی از نژادپرستی آشکار نهادینه شده در مدارس، بیمارستان‌ها، تعاونی‌های مسکن و در درون نیروی کار وجود دارد. همچنین این نژادپرستی و تبعیض نمایان در سطح توده‌ی مردم جامعه اسرائیل حاکم است. به‌عنوان مثال راننده اتوبوسی در سال ۲۰۰۹ به یک زن سیاه‌پوست اجازه ورود به اتوبوس را نداد؛ وی می‌گوید: «من اجازه نمی‌دهم کوشیم (اصطلاح تحقیرآمیز برای انسان سیاه‌پوست) سوار اتوبوس شود. آیا در اتیوپی اتوبوس وجود داشت؟ در اتیوپی شما حتی کفش نمی‌پوشیدید و در اینجا شما کفش می‌پوشید، پس چرا پیاده نمی‌روید؟» و یا مواردی همچون: گزارش‌های مهاجرانی که توسط سفیدپوستان دشمن تلقی می‌شوند اگر به‌وسیله یک مامور سیاه‌پوست IDF بازداشت شوند؛ کودکان اسرائیلی به سمت سربازان اتیوپیایی سنگ پرتاب می‌کنند؛ و فحش‌های نژادی فراوانی مانند «شما فقط کاکاسیا هستید»

به اتیوپیایی‌ها گفته می‌شود.

آوی ماسپین، سخنگوی انجمن اسرائیل برای یهودیان اتیوپیایی (IAE)، می‌گوید: «نژادپرستی، واژه‌ای است که من تا به امروز از به‌کار بردن آن اجتناب می‌کردم. این اجتناب به این دلیل بود که گمان نمی‌کردم که نژادپرستی می‌توانست در اسرائیل در سال ۲۰۰۷ وجود داشته باشد؛ اما زمان آن رسیده است که در این خصوص بی‌پرده صحبت کرد. جامعه اسرائیل به‌شدت تحت تاثیر نژادپرستی قرار گرفته است و با کمال تأسف باید گفت هیچ مجازات مناسبی برای نژادپرستی در اسرائیل وجود ندارد.»

بنا بر گزارشی در وای‌نت نیوز: «به‌نظر می‌رسد که واقعیت‌ها نشان می‌دهند که این نگرش‌ها به مناطق خاصی از کشور محدود نمی‌باشد بلکه حاکی از آن است که نژادپرستی به یک پدیده عمومی در جامعه اسرائیلی تبدیل شده است.» نژادپرستی آنچنان به اسرائیل سرایت کرده که می‌توان آن را در ویدئوهایی در یوتیوب مانند «جنوب تل‌آویو در آتش» هم مشاهده کرد.

بجای پذیرفتن تنوع قومی یهودیان در اسرائیل و اجازه دادن به فالاشاها تا در میراث آفریقایی خود باقی بمانند، به‌نظر می‌رسد که آنها را مجبور به ترک تمام بقایای میراث اتیوپیایی‌اشان کرده‌اند. بنا به گفته زن جوانی به‌نام یوی تاشوم که در زمان عملیات موسی در ۱۹۸۴ به اسرائیل آمده است:

«به‌عنوان یک مهاجر اتیوپیایی، برای اینکه اسرائیلی باشید/ بشوید شما مجبور هستید که تمام هویت اتیوپیایی خود را فراموش کنید. به‌عنوان نمونه، زمانی‌که در ابتدای امر به اینجا می‌آید، آنها اسمتان را پاک کرده و یک اسم جدید برای شما انتخاب می‌کنند. وقتی ما آمدیم، آنها نامم را پرسیدند و من پاسخ دادم که نامم «یونات» است. به دلیل اینکه دختر مصاحبه‌کننده متوجه آنچه که من گفتم نشد، گفت: خب؛ از امروز نام تو قرار است «راهل» باشد و آنگاه نام من تا بعد از خدمت سربازیم «راهل» شد. حتی این هم کفایت نمی‌کند که آنها تلاش کنند تا بتوانند شهروندان واقعی اسرائیلی باشند، تنها رنگ پوست آنها کافی است تا فراموش نکنند که اتیوپیایی‌ها همیشه به‌عنوان بیگانگان و یهودیان غیرسفید درجه دوم در نظر گرفته شده‌اند. مطابق با گزارشی، این تبعیض حتی بعد از مرگ هم ادامه دارد. بعضی از قبرها در گورستان



یهودی بنا بر رنگ اجساد جدا شده‌اند؛ در گورستان میان قبرهای یهودیان اتیوپیایی و دیگر یهودیان حصار کشیده شده است.»

نژادپرستی در مسایل اساسی تا آنجا که فالاشاها در کجا می‌تواند یا نمی‌تواند زندگی کند گسترش یافته است. در بعضی از مناطق سیاست ممنوعیت فروش آپارتمان به یهودیان غیرسفید اعمال می‌شود. در ۲۰۰۹ یک آژانس معاملات ملکی در حال پیدا کردن منزل برای مشتریان تازه رسیده بود، از گفته‌های صاحب ملکی در اشکلتون شوکه شد:

۱۱۱

در این منطقه هیچ اتیوپیایی، ساکن نبوده و نخواهد بود. این سیاست ما است. من با این موضوع که آنها در هر جای دیگر زندگی کنند مشکلی ندارم... به جز اتیوپیایی‌ها هرکسی می‌تواند به اینجا بیاید. این قانونی است که در این ساختمان وجود دارد و کمترین انتظاری که دارم این است که ارزش آپارتمان و ساختمان حفظ شود... ما قانون ممنوعیت فروش به اتیوپیایی‌ها را به مدت ۱۶ سال است که اجرا می‌کنیم. من نمی‌توانم از جانب تمام اعضای ساختمان صحبت کنم اما در هر صورت این موضوعی است که من تصور می‌کنم ... که بلافاصله ارزش آپارتمان را کاهش می‌دهد... از ارزش آپارتمان‌هایشان ۳۰ درصد کم می‌شود. من در مسایل جزئی کارشناس نیستم، اما اگر اتیوپیایی‌ها به اینجا بیایند قیمت پایین می‌آید. من اهمیتی نمی‌دهم که چه کسی در اینجا زندگی می‌کند و نژادپرست هم نیستم، اما زمانیکه من ساختمانی را که در ۱۶ سال گذشته در آن زندگی کرده‌ام به اتیوپیایی‌ها بفروشم، دیگر مستأجران مرا خائن به حساب خواهند آورد. من حاضر نیستم که روابط خودم و دوستانم را دچار تنش کنم.

### سلامت: رسوایی خون و کنترل موالید

در ۱۹۹۶ یکی از تکان‌دهنده‌ترین رسوایی‌های که بیانگر نحوه‌ی برخورد با یهودیان اتیوپیایی در اسرائیل بود، کشف شد. خون اهدا شده توسط اتیوپیایی‌ها به وسیله‌ی بیمارستان بیرون انداخته شده بود. هنگامی این رسوایی فاش شد که این عمل برای سال‌ها به‌طور مخفیانه ادامه داشته است. ظاهراً به دلیل نگرانی‌های بی‌اساسی مانند اینکه خون آنها شاید آلوده به HIV باشد خون آنها دور ریخته می‌شده است. هزاران

یهودی اتیوپیایی در بیرون ساختمان دفتر نخست‌وزیر شیمون پرس اقدام به تظاهرات نمودند و با پلیس درگیر شدند. این عمل فریبکارانه، حاکی از یک مرحله مبتذل جدیدی در روابط میان یهودیان اتیوپیایی و اسرائیلی بود؛ مثلاً یک معترض گفت: «ما می‌جنگیم و در ارتش می‌میریم، به تحصیل ادامه می‌دهیم، اما آن کافی نیست. آن غیرقابل تصور است که شخصی برای اهدای خون بیاید و با تصور اینکه او در حال نجات دادن زندگی فرد دیگری است فریب‌خورده باشد... او می‌نشیند و در بدنش سوزن وارد می‌کند و مقدار قابل توجهی از خون او کشیده می‌شود و اما هنوز یک دقیقه از اینکه سرش را برمی‌گرداند نگذشته است که آنها خونش را در زباله‌ها می‌اندازند».

علی‌رغم اعتراضاتی که در دهه ۹۰ شکل گرفت، این عمل توهین‌آمیز در ده سال بعد نیز دوباره تکرار شده است. در نوامبر ۲۰۰۶، بیش از ۲۰۰ نفر در اعتراض به «تصمیم وزارت بهداشت و درمان برای کنار گذاشتن خون اهدا شده‌ی اتیوپیایی‌ها» در مقابل ادارات دولتی اسرائیل تظاهرات کردند. گادی یابارکن، یکی از سازماندهندگان تظاهرات، گفت: «ما اجازه نخواهیم داد که خونمان دور ریخته شود. تورات می‌گوید خون روح است. چگونه این کشور به خود اجازه می‌دهد که با ما -یهودیان هم‌کیش- این چنین رفتار کند؟»

مناقشه دیگری مربوط به سلامت، گزارشی بود که جاناتان کوک در ۲۰۱۰ ارایه کرد: «مقامات رسمی سلامت در اسرائیل تعداد زیادی از مهاجران زن اتیوپیایی را با داروی بحث‌برانگیزی که به‌طور طولانی‌مدت موالید را کنترل می‌کند مورد آزمایش قرار داده‌اند که در مورد آن گروه‌های زنان اسرائیلی اظهار که آن سیاستی نژادپرستانه برای کاهش تعداد کودکان سیاه‌پوست است». آمارها نشان از این داشت که ۵۷ درصد از کسانی که برای آنها در اسرائیل دپو پروا تجویز شده بود زنان اتیوپیایی بودند. آن‌هم با وجود این واقعیت که فالاشاها تنها نماینده‌ی ۲ درصد از کل جمعیت اسرائیل بود. هدوا ایل، نویسنده «و عضو یک سازمان فمینیستی واقع در حیفا در شمال اسرائیل گفت: «این موضوعی درباره کاهش موالید در اجتماعی است که اعضای آن سیاه‌پوست و اکثراً فقیر هستند». «سیاست سکوت آن است تنها بچه‌هایی که سفید و اشکنازی هستند می‌توانند در اسرائیل باشند». همچنین وی گفت: شهرت پیشگیری از بارداری

که با سوءاستفاده حکومت آپارتاید در آفریقای جنوبی برای محدود کردن باروری زنان سیاه‌پوست به صورت اجباری، خدشه‌دار شده بوده است ... «پاسخ‌هایی که ما از مقامات دریافت کردیم حاکی از نژادپرستی آشکار بود». خانم ایل اضافه کرد: «آنها نظر دارند/ پیشنهاد کردند که نحوه برخورد با زنان اتیوپیایی باید همانند خواص/ افراد نباشد بلکه به‌عنوان یک گروه جمعی که احتیاج به کنترل موالید دارد باشد».

### تبعیض در آموزش تحصیلات

۱۱۳

اتیوپیایی‌ها از تبعیض در تمام مراحل سیستم آموزشی رنج می‌برند. از دوره کودکستان به بعد، آنها به‌دفعات با تبعیض آشکار معلمان و نهادهای آموزشی اسرائیل مواجه می‌شوند. تعداد بسیار کمی از دانش‌آموزان دبیرستانی اتیوپیایی برای کسب موقعیت تحصیلی در دانشگاه ادامه تحصیل می‌دهند. برای مثال، والدین یک دانش‌آموز به‌ظاهر مخرب- بنا به گفته معلمش- می‌گویند «معلم وی گفته بود تنبیه مناسب برای او، اخراج از کلاس است؛ این پسر اتیوپیایی نه‌تنها مزاحم دیگر اتیوپیایی‌هاست بلکه مزاحم دانش‌آموزان اسرائیلی کلاس نیز هست». در موردی دیگر، در یک کودکستان در جنوب اسرائیل، کودکان اتیوپیایی تنها به خاطر اعتراض والدین کودکان دیگر به تعداد زیاد این کودکان و شلوغی کلاس‌ها از کودکستان اخراج شدند.

در یک مدرسه ابتدایی در پتی تیکوا در ۲۰۰۷، چهار دانش‌آموز اتیوپیایی به کلاسی جداگانه و جدا از دانش‌آموزان دیگر برده شدند. پدر یکی از دانش‌آموزان گفت: «با ما تنها به دلیل اینکه سیاه و ضعیف هستیم با تبعیض برخورد می‌شود». وای نت نیوز گزارش کرد که: مهاجران اتیوپیایی در یک کلاس جداگانه در انتهای راهروی مدرسه قرار داده شده‌اند؛ تنها یک معلم برای درس دادن به آنها و آن‌هم برای همه موضوعات گوناگون درسی در نظر گرفته شد. علاوه بر این برای دختران ساعت‌های زنگ تفریح جدا از دیگر هم‌سن‌وسال‌هایشان در نظر گرفته شده بود و برای آنکه آنها نتوانند با دیگر دختران بیش‌ازاندازه معاشرت کنند به آنها کرایه تاکسی تا خانه هم می‌دادند.

همچنین بدگویی‌های نژادی در درون سیستم آموزشی عادی است. آشر بالاتا، دانش‌آموز ۱۸ ساله، درحالی‌که چند ماه به فارغ‌التحصیلی‌اش در دبیرستان مانده بود،

تنها به این خاطر که مدیر مدرسه‌اش وی را «کاکا سیاه» نامید؛ کتک زد و از دبیرستان اخراج شد. در حالیکه تعداد زیادی از مدارس تلاش می‌کنند تا تبعیض نژادی بر علیه دانش‌آموزان اتیوپیایی را در میان مردم عادی (به دلیل اینکه آنها از لحاظ آموزشی عقب‌تر هستند) توجیه کنند، بسیاری از والدین فالاشاها تصور می‌کنند که دلیل واقعی بدرفتاری با کودکانشان نژادپرستی است. به‌عنوان نمونه پدر یکی از این دانش‌آموزان می‌گوید «هنوز از اینکه برای پسر من در ترم جدید تحصیلی اجازه ثبت‌نام خواهم داشت یا نه مطمئن نیستم». اگر «آنها پسر من را پذیرش نکنند، تنها می‌تواند به دلیل اینکه او سیاه است باشد».

تعداد بسیاری از کودکان فالاشاها در فقر زندگی می‌کنند همین مسئله نیز بر روی تحصیل‌شان تاثیر گذاشته است. برای مثال، اکثریت کودکان فالاشاها قبل از سن ۴ سالگی برای کودکانستان یا پیش‌دبستانی ثبت‌نام نمی‌کنند و آن‌هم عمدتاً به این دلیل که والدینشان قادر نیستند از عهده پرداخت هزینه این مکان‌ها برآیند/ توانایی پرداخت هزینه این مکان‌ها را ندارند. هزینه‌ها برای هر کودک در هر ماه برابر با ۳۵۰ دلار می‌باشد. همین امر آنها را به‌ناچار در یک وضعیت نامساعدی نسبت به هم‌سن‌وسالان سفیدپوست اسرائیلی که از عهده پرداخت این هزینه‌ها برمی‌آیند، قرار داده است. به‌طور نامتناسبی تعداد زیادی از کودکان فالاشاها به‌منظور پیوستن پیش از موعد به نیروی کار تحصیل در دبیرستان را قبل از اتمام آن رها می‌کنند تا بتوانند به خانواده‌هایشان که درآمد ناچیزی دارند، کمک کنند.

### تبعیض در نیروی کار

تبعیض بر علیه یهودیان اتیوپیایی در نیروی کار نیز شایع است. بنابر گزارشی در تلگراف، اخیراً یک تحقیق نشان داد که ۵۳ درصد از کارفرمایان استخدام اتیوپیایی‌ها را در اولویت قرار نمی‌دهند- البته با این وجود، این آمار هنوز بهتر از استخدام عرب‌ها با نرخ ارجاع ۸۳ درصد است. این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که ۷۰ درصد از کارفرمایان تمایلی به کمک و حل مشکل کاری اتیوپیایی‌ها ندارند. در تحقیقی دیگر، از ۴۵۰۰ فالاشاهای فارغ‌التحصیل دانشگاه، تنها ۱۵ درصد موفق به پیدا کردن کار در

زمینه رشته تحصیلی‌شان شده‌اند و در نتیجه عمدتاً کار موقت و نامربوط پیدا می‌کنند. آدام بریوچ، فعال فالشاهایی، گفت که: «اصل و خلاصه نژادپرستی همین است. من درخواست کار می‌دادم و تازمانیکه کارفرما تنها صدای مرا از پشت تلفن می‌شنوید مشکلی برای استخدامم وجود نداشت؛ اما وقتی من با این پوست سیاه برای مصاحبه می‌رفتم، ناگهان به‌گونه‌ای رفتار می‌کرد که انگار مدت‌هاست که شغل به کس دیگری داده شده است و دیگر کاری برای انجام دادن وجود ندارد. زیرا یک سیستم ناعادلانه‌ی گزینش وجود دارد که توسط خدمات اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد».

در حالیکه فلسطینی‌ها در معرض هجوم و کینه‌توزی ارتش اسراییل بودند، در رده‌های پایین ارتش، یهودیان اتیوپیایی هم در معرض رفتارهای موهن و تحقیرآمیز مستمر قرار داشته‌اند. در طول سالیان دراز، گزارش‌های بسیاری از پرسنل اتیوپیایی ارتش وجود دارد که به دلیل نحوه برخورد با آنها خودکشی کرده‌اند. به نمونه‌های فراوانی از برخوردهای نژادپرستانه مانند بیرون رانده شدن یک سرباز اتیوپیایی از کلینیک ارتش توسط مافوقش می‌توان اشاره کرد. در این مورد مافوق سرباز به زیردستان دستور داده بود که بر روی درب ورودی تابلویی با نوشته «ورود کاکا سیا ممنوع» نصب کنند. سرباز تحقیر شده می‌گوید که: «من به اتاقم رفتم و یک ساعت ونیم گریه کردم».

بنا به گفته مکس بلومنتال، در سال ۱۹۷۷ یعنی شش سال بعد از موج دوم انتقال مهاجران اتیوپیایی به اسراییل، ۱۰ درصد از خودکشی‌های درون ارتش را سربازان اتیوپیایی انجام می‌دهند و این در حالی است که تنها آنها چهاردهم از ارتش را تشکیل می‌دهند. نژادپرستی عامل اساسی در شیوع خودکشی است. یک سرباز ۲۲ ساله بعد از اینکه برای خواهرزاده‌اش تعریف کرد که: «هر روز صبح که به مرکز می‌روم، شش سرباز انتظار آمدن من را می‌کشند تا با کوبیدن دست‌هایشان به هم بگویند ورود کاکا سیا ممنوع» خودکشی کرد.

### مهره‌هایی در یک بازی سیاسی

در حالیکه مهاجرت اتیوپیایی‌ها در طول دهه ۹۰ ادامه داشت، مناقشه دیگری که توجه نسبتاً کمی را به خود جلب کرد، سوءاستفاده از تعداد زیادی از مهاجران جدید

برای گسترش شهرک‌های غیرقانونی در کرانه باختری است. الستر برت، وزیر مختار انگلستان در امور خاورمیانه، با تاکید مجدد بر اینکه شهرک‌های اسراییل غیرقانونی هستند در تاریخ ۲۰ می ۲۰۱۱ در خصوص اقدام به شهرک‌سازی اسراییل اعلام داشت: «برمبنای قوانین بین‌المللی شهرک‌سازی غیرقانونی است و باید متوقف شود»؛ بنابراین، فرستادن مهاجران جدید برای زندگی کردن در شهرک‌های غیرقانونی به‌وضوح آنها را در یک موقعیت تبعیض‌آمیز قرار می‌دهد. آدیسو ماسالا، اولین متولد اتیوپیایی عضو کنست، گفت: «نتانیا هو در حال بهره‌برداری از اتیوپیایی‌هاست. او از آنها سوءاستفاده می‌کند. مهاجران را ترغیب می‌کند تا نشان دهد که او شهرک‌سازی را بیشتر از صلح می‌خواهد. تعداد بسیاری درباره مناقشات شهرک‌سازی خبری ندارند و تنها از اینکه در اسراییل هستند خوشحال‌اند و مابقی حتی اگر بخواهند به زندگی در یک شهرک اعتراض کنند، می‌ترسند که چیزی بگویند... بعضی از آنها می‌ترسند که پس‌فرستاده شوند». ددی زوکو، قانونگذاری دیگر، گفت که او، «اگر اتیوپیایی‌ها به‌دلخواه خود تصمیم به زندگی در شهرک‌ها بگیرند اعتراض نخواهد کرد اما مهم این است که آنها هیچ چاره‌ای جز این ندارند. آنها از افرا آمده‌اند، نمی‌دانند به کجا خواهند رفت... از روز اول ورود به اسراییل آنها مهاجر (موچ‌کننده) هستند؛ و آنها حتی نمی‌دانند این به چه معناست».

### بی‌توجهی‌های مذهبی

حوزه مهم و حساس دیگری که راه و روش زندگی / شیوه زندگی فالاشاها را به وجود آورده است این تصور است که آنها در برخی از شیوه‌های زندگی، یهودیان کم‌اهمیت‌تری در رابطه با ایمان و عمل هستند. به‌محض ورود، بتای اسراییل آنها را مجبور کرده بود که به آیین جدید تن بدهند. در میان دیگر کارها، این شامل ختنه نمادین (امنون نه بیشتر از آنچه که نیاز است) و حمام آئینی (غسل در یک مایکو) به‌عنوان تجدیدی نمادین از هویت یهودی‌شان، بود. چنانکه انتظار می‌رود این اجبارها به‌عنوان یک توهین آشکار تلقی شده‌اند. تعداد بسیاری از اتیوپیایی‌ها خود را از نوادگان شاه سلیمان و ملکه سبا می‌دانند و در نتیجه خود را از نژادی اصیل‌تر از یهودیان اروپایی

که خود را «نوگرا» نامیده بودند به شمار می‌آورند. با این وجود تحت لوای قانون بازگشت، یهودیان اتیوپیایی باید در یک فرآیند «نوگرایی» به یهودیت در می‌آمدند تا تمام مزایای مالی را به‌عنوان مهاجران جدید دریافت کنند؛ و بنابراین هرچند فرآیند ممکن است تحقیرآمیز باشد باید پذیرفت.

به‌طور مثال، در بعضی از مناطق، اصلا کنیسه‌های اتیوپیایی وجود ندارند. کس هادان، فالاشاها، در مصاحبه‌ای گفت: «من به یک کنیسه اسرائیلی رفتم و ما به زبان عبری دعا کردیم. من رهبر مذهبی مورد احترامی بودم. مسئول ۲۵ کنیسه در آمبرو بودم. در اینجا به من اجازه داده شده است که تنها به خاخمی در یک کنیسه کمک کنم. در جایی مثل بت شمس که بیشتر از ۱۰۰ خانواده اتیوپیایی زندگی می‌کنند حتی یک کنیسه اتیوپیایی وجود ندارد».

حتی فراتر از این، برخی از گروه‌های ارتدوکس افراطی مانند هاباد، اتیوپیایی‌ها را به‌عنوان یهودی نمی‌پذیرند و به فرزندان آنها اجازه رفتن به کودکان‌هایشان را نمی‌دهند؛ یهودیان اشکنازی اروپایی تبار خود را در بالاترین سطح می‌بینند و از موضع بالا به شباردیک، میزراهی و یهودیان اتیوپیایی که در پایین سطح‌اند می‌نگرند (البته اگر آنها را به‌عنوان یهودی قبول کنند). تا به امروز نخست‌وزیری از شیو یا میزراهی به‌عنوان مثال انتخاب نشده است. اکثریت اصلی اعضای کنیسه اشکنازی هستند.

### نتیجه‌گیری

به‌طور فزاینده‌ای، اسرائیل به‌عنوان حکومتی نژادپرست و ویژه‌خواه قلمداد شده است. همچنین کسانی که تحت لوای نظام اشغال‌گر اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین زندگی می‌کنند به‌درستی مستند شده است و همین امر منجر به این شده است که یک دولت آپارتاید نامیده شود. با این حال آن‌چه که کمتر و به‌درستی به آن پرداخته شده است، چگونگی ریشه‌دوانیدن نژادپرستی و رشد تدریجی آن در اسرائیل است. گستردگی نژادپرستی در اسرائیل تنها به مسلمانان و مسیحیان فلسطینی ختم نمی‌شود، بلکه شامل یهودیانی با پس‌زمینه‌ی اقلیت نژادی متفاوت هم می‌شود. یهودیانی که ظاهراً روزگاری به‌عنوان برادران و خواهران ایمانی در اسرائیل

مورد استقبال قرا گرفتند امروز خود را تنزل یافته در طبقه فرودست می‌بینند. با اینکه آنها ممکن است در جایگاهی به مراتب بهتر از فلسطینی‌ها باشند، اما با این وجود آنها در سطح پایین‌تری از دیگر یهودیان غیر سیاه هستند.

این درست است که فالاشاها در اتیوپی مجبور بود که با فقر، قحطی و خشکسالی مبارزه کند اما مردمانی که روزگاری پیوندهای اجتماعی و خانوادگی نیرومندی داشتند در اسرائیل اجتماعشان را با سطوح بالایی از بیکاری، تغییر در سلسله‌مراتب اجتماعی، زوال رسوم، افزایش سطح جرم و جنایت در میان جوانان و دیگر آسیب‌های اجتماعی گرفتار می‌بینند. آنها خود را محدود در محله‌های فقیرنشین، تبعیض در محل کار و مورد اهانت قرار گرفته با رسوایی‌هایی مانند رسوایی اهدا خون و مورد حملات نژادی قرا گرفتن که به‌طور فزاینده‌ای شایع است، می‌یابند. بنظر می‌رسد که شاکله‌ی جامعه اسرائیل از درون در حال فروپاشی است و قطعاً عامل مهم آن نژادپرستی رایج و نهادینه شده می‌باشد.

□ فهرست منابع در دفتر فصلنامه موجود می‌باشد.